

هم‌چنان که رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت هنگام تحویل سال گفت: «سال ۸۶، برای مقاومت، سال اعتلا و سرفرازی و برای رژیم آخوندی، سال ریزش و سراسیمه بود» و رژیم «از جهت در برابر تغییرات جدی و تحولات کیفی قرار گرفت»



تحولات همه‌جانبه‌سالی که گذشت نوبدبخش دستاوردهای بیشتر در سال تعیین‌کننده‌ی است که پیش رو داریم. فرزندان رشید ایران در هر کجا که هستند باید با هوشیاری و مسئولیت‌پذیری و کار و تلاش مضاعف بهای آن را بپردازند. زمان برآستان است. این خود ما هستیم که آینده را تعیین و ترسیم می‌کنیم. صدای درهم‌شکستن زنجیرهای استبداد مذهبی به گوش می‌رسد

2US\$ 1.5Pounds 3SFR 3C\$ 2€

به نام نوروزی و سعادت ملت ایران سال تعیین‌کننده در نبرد با رژیم آخوندی پیام به جوانان و نیروهای انقلاب دموکراتیک مردم ایران مسعود رجوی - فروردین ۱۳۸۷



گزارش شاهدان عینی از وضعیت ۲۵هزار صندوق رأی‌گیری در شهرها و مناطق مختلف کشور که توسط ستاد اجتماعی مجاهدین انقلاب و جمعیت‌ی شده حاکی از درنوردیدن همه مرزهای خضعه و نطق توسط رژیم از یکسو و بالاترین تحریم اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر است.

خرید آرای قشرهای نهدست همراه با توزیع سیم کارت و حواله بزرین یا ناهار مجانی و مواد غذایی و خرید و فروش آشکار رای از طریق نگاهبای نامی آرای با تمهیدای سیار موتورزی نمونه‌ها دارد و به یک صنعت کلیدی در انتخابات آخوندی تبدیل شده بود.

هم‌چنین توصیف‌گران و سرکردگان عراضی شده نظام تحت عنوان «چیدمان کرسیهای مجلس» و «مهندسی انتخابات» ما را از شرخ و بسط بی‌نیاز می‌کند. گوش کنید:

- پاسدار قالیباف شهردار کنونی تهران و سرکرده پیشین نیروی انتظامی و نیروی هوایی ارتش می‌شکند: حاکم از سیاست به هم می‌خورد (عصر ایران ۱۲۷ اسفند۸۶).

- خاتمی آن چه را که در حیاتی‌های اجرائی اتفاق افتاده «اجعه» خواند و «کارگران»، رفسنجانی گفتند با دست و پای شکسته در انتخابات شرکت می‌کنیم!

- موسوی لاری، وزیر کشور خاتمی، گفت: انتخابات «مهندسی شده است و رد صلاحیت بی‌نیای و کتاب صورت نگرفته است و روشن است که اکثریت مطلق مجلس در اختیار جناح رقیب خواهد بود» (سایت نوروز ۴ بهمن ۸۶).

- تاجزاده، معاون وزیر کشور خاتمی، گفت: «در این انتخابات ما با پدیده بازگشت روح سعید امامی و نسیم روشهای او مواجه شده‌ایم. آقای جنتی و همکارانش سطح رسیدگی به صلاحیت داولطلبان را آنقدر نازل داده‌اند که کار شورای نگهبان گرفتن نمونه‌ها برای تأیید صلاحیت شده است. یعنی همان شیوه‌هایی که بازخواهد در این به کار می‌رند تا با نعت فشار قرار دادن افراد، انفرادی خودخواسته از آنان بگیرند. آقای نوبلی با اختصار اعلام می‌کند که ما صلاحیت حزب رقیب را شنود و منتشر می‌کنیم. آقای باهنر زنده‌مانند اصلاح‌طلبان را ناشی از رأفت اسولگرایی می‌خواند. آقای حسین شریعتمداری ضرورت تشکیل دادگاههای جدید و مجازات سنگین اصلاح‌طلبان را به قاضی مرتضوی یادآوری می‌کند (خبرگزاری آنا ۶ اسفند۸۶).

- جلالی‌پور از کارگران دوم خردادی گفت که حتی «منی‌گذارند اصلاح‌طلبان نیز کنار بروند، بلکه اصلاح‌طلبان باید در انتخابات نیز شرکت کنند تا مردم آرای بدهند و اصلاح‌طلبان ببینند که صندوق بیرون نمی‌آیند» (سایت روز ۱۲ اسفند۸۶).

راستی که قذف و توهین‌های خورده‌ی برای ریزشها و تصفیه‌شان نظام بیشتر از این مستور نبود. شعار انتخاباتی باند غالب رژیم موسوم به: «اجعه متحد اسولگراران» این بود: «پروا نکنی پشیمان هست چارمساز است!» حرکت بی‌بده و ترسز و بار در انتخابات تعمیم داده بودند.

ولایت‌فقی و پاسداران و دژخمشان از این پیشرو وزارت و کثرت و اولی‌تاریف و فرمانحاران و حتی بخشداران از چنان که باید به قول رقیبا «چیده متحد اسولگراران» این بود: «پروا نکنی پشیمان هست چارمساز است!» حرکت بی‌بده و ترسز و بار در انتخابات تعمیم داده بودند.

ولایت‌فقی و پاسداران و دژخمشان از این پیشرو وزارت و کثرت و اولی‌تاریف و فرمانحاران و حتی بخشداران از چنان که باید به قول رقیبا «چیده متحد اسولگراران» این بود: «پروا نکنی پشیمان هست چارمساز است!» حرکت بی‌بده و ترسز و بار در انتخابات تعمیم داده بودند.

ولایت‌فقی و پاسداران و دژخمشان از این پیشرو وزارت و کثرت و اولی‌تاریف و فرمانحاران و حتی بخشداران از چنان که باید به قول رقیبا «چیده متحد اسولگراران» این بود: «پروا نکنی پشیمان هست چارمساز است!» حرکت بی‌بده و ترسز و بار در انتخابات تعمیم داده بودند.

سال ۱۳۸۷ تأکید می‌کند. اسامی «سال تثبیت طرح امنیت اجتماعی» است (خبرگزاری رسمی رژیم ۳۰ فروردین ۸۷).

در این اثنا، بودجه امنیتی رژیم ۲۰ برابر افزایش یافته است. یکی از معاونان وزارت کشور در مرداد گذشته در این باره گفت: «رقم این اعتبارات، پارسال ۷ هزار میلیارد ریال بود که اکنون به ۱۴۰ هزار میلیارد ریال رسیده است» (محمد شاعری، خبرگزاری حکومتی مهر ۲۵ مرداد ۸۶).

این است اعتراف آخوندها و پاسداران به منتهای آمادگی شرایط اجتماعی برای خیز برداشتن انقلاب دموکراتیک مردم ایران. آن سبیل که دوش تا کمر بود امشب بگذاشت خواهد از دوش بهتر است بخوابیم: آن سبیل که پار تا کمر بود امسال بگذاشت خواهد از دوش

وزیر رفاه و تأمین اجتماعی رژیم در ۲۲ مرداد گفت در ایران ۸۲ میلیون نفر زیر خط فقر و ۲ میلیون نفر هم در زیر خط فقر مطلق (یعنی با درآمد روزانه کمتر از یک دلار) بسر می‌برند. قسمت یک لیر بزرگترین بیش از ۱۰۰ برابر افزایش یافته و قسمت مسکن به‌خاطر کمبود آهن و فولاد و سیاهان،

سلام و تبریک، برای بیست و هفتمین بهار سرخ‌قام و سرسبز مقاومت، برای بهار پیروز ایستادگان و ایات صبر و ظفر در اشرف، و برای گل دادن رزم و رنج شهیدان و فروغهای جاویدان در سراسر ایران،

در کناکس سهیلگی و آشنی‌ناپذیر مردم و مقاومت ایران با بربریت آخوندی در سال ۱۳۸۶، سه حقیقت بیش از هر زمان روشن و ثابت شد: اول- اوج آمادگی و جوش شرایط عینی برای تغییر و برای خیز برداشتن انقلاب دموکراتیک مردم ایران دوم- مرحله ریزش و سرنگونی، محصول محرم تکیاگی و انقباض درمان‌ناپذیر رژیم ولایت‌فقیه سوم- این که رژیم آخوندی هم‌اوردی جز مجاهدین خلق ایران و جایگزینی جز شورای ملی مقاومت ایران نمی‌یابد و با تمام توان و با شدت و جدتی جون‌آمیز در پی نابود کردن آنهاست.

اما هم‌چنان که رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت هنگام تحویل سال گفت: «سال ۸۶ برای مقاومت، سال اعتلا و سرفرازی و برای رژیم آخوندی، سال ریزش و سراسیمه بود» و رژیم «از جهت در برابر تغییرات جدی و تحولات کیفی قرار گرفت»

اکنون سال ۱۳۸۷ را پیش رو داریم که در نبرد با نظام مستبد، سالی تعیین‌کننده است. سرنگونی فاشیسم مذهبی، حق مسلم مردم ایران است.

قسمت دوم انتخابات و مرحله کنونی

انتحلال و اضمحلال رژیم ولایت‌فقیه به معنی مرحله فرسایش و تجزیه و ریزش، که ویژگی دوران سرنگونی این رژیم ضدتاریخی است، در انتخابات مجلس ارتجاع بارز شد. تکیاگی و انقباض ولایت فرایگز شد و هیکل و قوای سه گانه رژیم را در بر گرفت. به راستی که این انتخابات از بابت تحریم سراسری و از بابت تصفیه و جراحی سیاسی یک نقطه عطف محسوب می‌شود.

ولایت‌فقیه ارتجاع آن چه را در انتخابات مجلس در پایان سال ۸۲ پس از سقوط عراق و جمع آوری سلاحهای مجاهدین کاشته و در گماشتن پاسدار احمدی‌نژاد به ریاست‌جمهوری در سال ۸۴ به بار نشاندند بود. اکنون در این انتخابات درو کرد و به بلوغ رسانند. چنین تعادلی در درون رژیم در سه دهه گذشته و حتی در زمان خمینی، بی‌سابقه است. اکنون با یک رژیم تک پا و به کلی معیوب و معلول مواجهیم. آن قدر که فریاد اتحادیه اروپا هم بلند شده و بر بام جهان گواهی می‌دهد که «این انتخابات نه آزاد بود و نه عادلانه».

تا بداند مسلم و گیسر و پهسود کاندید این صندوق جز لعنت نبود

در بعضی قسمتهای تهران هفت برابر شده است. رفسنجانی (مسأله تورم و گرانی را اینک مسأله بسیار جدی» در داخل کشور می‌داند (تلویزیون رژیم - ۳۰ آذر ۸۶).

احمدی‌نژاد از یک ارسوب ۱۲ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومانی جهت پول در بازار، در پایان مهرماه شکوه سر می‌دهد اما اقتصاددانان رژیم طرحهای اقتصادی «دستوری» و «ضرب‌الاجلی» پاسدار احمدی‌نژاد از قبیل «بنگاههای روزیاد» و «سهام عدالت» را «تقسیم صدقه‌گونه درآمدها، و اینخش هلیکوپتری درآمده» می‌دانند. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (سازمان برنامه و بودجه سابق) و شورای پول و اعتبار و سازمان حسابرسی ملی منحل شده و بانک مرکزی از وظائف خود ساقط گردیده است. در واقع سازمان آراء کتیده اقتصاد کشور در حال ریزش و فروپاشی است. این در کشوری است که رئیس سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آن اعلام کرد که «ارزش نفت و گاز استحصالی شده در کشور در سال ۸۶ براساس میانگین ۵۷۵ دلار برای هر بشکه نفت، ۴۰ میلیارد دلار در مورد (سناری) نامه به احمدی‌نژاد ۳۰ آذر ۸۶).

دومین رئیس سازمان برنامه و بودجه در زمان خمینی، چند هفته پیش گفت درآمدهای نفتی ایران در ۸۲ سال گذشته ۸۰۰ میلیارد دلار بوده ولی «منی‌داینم این مقدار از درآمد، در کجاها هزینه شده است» (عزت سبحانی ۱۳ اسفند۸۶).

در تیر ماه تیریزون می‌ان آن از یک نظر سطحی توسط یک گروه فرانسوی آمریکایی در ایران خبر داد که «اولین نشانه‌ی سقوط عظیم است که از زمان ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد به عمل آمده است». طومانی است نظرسنجی ۲۹ درصد مردم ایران خواستار یک سیستم دموکراتیک هستند (سازمان آنا ۲۵ تیر ۸۶).

قسمت اول شرایط عینی

آمدگی و جوش شرایط عینی، در اوج بیان‌ناپذیر اعتراض به وضع موجود و حرکات خودانگیخته با هادایت‌فقه اجتماعی و در گسترده‌ترین تحریم سیاسی انتخابات رژیم بارز شده اعلام در ملاحظه دست و پا بریدن، پرتاب از بلندی، سربال طرحهای امنیت اجتماعی، سرکوب جریان‌آزاد زنان به پناه‌های واهی، ضرب و شتم بی‌درع جوانان نافرمان با مجازاتهای تحقیرآمیز ضدانسانی و انواع و اقسام پلیسها و پاسداران محسوس و نامحسوس، پاسخ آخوندی به عصیان عظیم اجتماعی است.

در مهرماه ۸۶ پاسدار جدید سپاه پاسداران ارتجاع، استراتژی جدید سپاه را در ترکیب با هیچ ضد مردمی مقابله با تهدیدهای داخلی اعلام کرد «تا نتواند در برابر تهدیدات سیاسی اجتماعی امنیتی دشمنان، به درستی وارد عمل شود» پاسدار جعفری گفت: «بنا به تشخیص رهبر جمهوری اسلامی، استراتژی سپاه با گذشتہ فرق کرده، بدین ترتیب که مأموریت اصلی سپاه در حال حاضر مقابله با تهدیدهای داخلی است و سپس در تقویت تهدید نظامی خارجی، سپاه به کمک ارتش خواهد شاشت» (ای بی‌سی ۷ بهر ۸۶).

وی توانمندی سپاه را در مقابله با دشمن در تان «موشکی» و «اطلاعات»، خلاصه کرد و جنگ ۳۳ روزه لبنان را «یک نمونه راهبردی برای مقابله با دشمن» خواند و افزود: «مأموریت اصلی سپاه در شرایط کنونی توجه به مأموریت‌های بسیج است و مأموریت بسیج با توجه به فرامین فرمانده معطل خواهد بود» (تایم نیوز ۱۰ مأموریت سپاه است. به همین دلیل باید ساز و کار پراختن به این مأموریت نیز فراهم شود.

از این رو دستور العمل و شعار سرکرده جدید سپاه، که هم‌زمان فرماندهی بسیج آخوندی را هم بر عهده گرفته این است که: «تا سپاه بسیج نشود، بسیج بسیج نشود» (رسانه‌های رژیم ۹ آذر ۸۶).

سرکرده سپاه آخوندها در مسان هم با صراحت گفت: «احتمال عملیات ضربتی توسط آمریکا علیه جمهوری اسلامی وجود دارد اما تهدیدات داخلی از هر گونه تهدید برای کشور خطرناکتر است» (خبرگزاری رژیم آنا ۱۱ تیر ۸۶).

به‌خاطر همین «تهدیدات داخلی» یعنی تهدید دائمی دیکتاتوری آخوندی از سوی مردم ایران است که سرکرده نیروی انتظامی رژیم در ابتدای



پیام به جوانان و نیروهای انقلاب دموکراتیک مردم ایران

بقیه از صفحه ۳

همچون روزگار جنگ ضدبهنی، مجاهدین و مقاومت ایران را مانع جنگ افروزی و سلطه خود می‌یابد.

دخالتهای و جانپناها و خط کار رژیم در عراق امروز بر کسی پوشیده نیست و عالمگیر شده است. اما این مقاومت ایران و رئیس‌جمهور برگزیده‌اش بود که از همان سال ۸۲ - که کسی را پاریس سخن گفتن نبود، پرچم ایستادگی و افتخار این جانیپنا را برافراشت، خطر بلعیدن عراق از سوی آخوندها را صدبار از خطر امنی بیشتر دانست و بر سرقت پیش از ۲۰ میلیارد دلار نقد عراق از سوی رژیم آخوندی در جنوب این کشور انگشت گذاشت. شکجه‌گاههای محفی را نخستین بار مجاهدین در جریان ریوند دو تن از اعضایشان توسط ابادی رژیم در وزارت کشور عراق بر ملا کردند.

دیرکل شورای گفتگوی ملی عراق گفته است: اما در عراق شاهد شکجه‌هایی هستیم که تا به حال نه در خواب و نه در بیداری ندیده و نشنیده بودیم؛ اعمالی که تاریخ به یاد ندارد در هیچ کشوری غیر از عراق به وقوع پیوسته باشد. او در مصاحبه با یک روزنامه اردنی نامگذاری ترورستی و تحریم همه جانیپناها و پاسداران و نیروی قدس را یک سبیل به رژیم ایران و نیروهای ترورستی وابسته به آن دانست و آن به عنوان گامی در جهت کوتاه کردن دست این نیروها در جانیپناشان در ایران و

آخوند جلال صغیر، امام جمعه خبثی صفت مسجد برائا، به روشنی گفته است: «آن چه باعث شد که ما موضع تندی در قبال سازمان ترورستی مجاهدین خلق بگیریم موضع این سازمان در قبال جمهوری اسلامی بود (تلویزیون المربعه ۱۷ شهریور ۸۷).

لازمیاتی در مقام دبیر شورای عالی امنیت رژیم، درمورد کسانی که از رژیم حرف‌شوی دارند چنین گفت: «اما از روند سیاسی حمایت می‌کنیم همیشه به کسانی که فکر می‌کردیم دوستان ما هستند و حرف‌شوی از ما دارند آنها را تشویق کردیم. مثلا مجلسی اعلان حزب‌الدعوه، حزب‌الدعوه هر دو گروه گروه‌های مختلف مستقل همه اینهایی که از دوستان ما هستند...» (تلویزیون رژیم ۱۷ شهریور ۸۷).

رجیم صوفی می‌پادآوری کرد: اما حتی از نیروهای عراق که به ایران آمده بودند سیاه پدر، از کسانی که اسیر شده بودند، تپ اسرار درست کردیم. کدام کشور است که افسران عالی‌رتبه عراق را علیه خود به کار بگیرد؟» (کپهان مهر ۸۷).

از این نمونه‌ها می‌توان دریافت که چرا چنین رابطه و حتی لحن کلام نظام آخوندی در مورد عراق و دولت کنونی آن، سرپا از موضع ولایت و قیومت است. مقلای بسیاری از روشنفکران و شخصیت‌های سیاسی و نیروهای ملی عراق به این نکته توجه کرده‌اند که فرهنگ و موشگبری و نحوه برخورد شماری از مقامات دولتی با مجاهدین چنان است که گویی نمایندگانی ولی‌فقیه در بغدادند!

در تیرماه گذشته پارلمان اروپا در قطعنامه خود در باره عراق به اتفاق آرا مادهایی را به مجاهدین اختصاص داد و در آن قویاً، تهدیدهای اخراج و قطع مازروا و سوخت و آب آشامیدنی از سوی برخی مقامات ارشد دولت عراق علیه اعضای اپوزیسیون ایران را که پیش از ۲۰ سال در این کشور پناهنده سیاسی بوده‌اند و از موقعیت قانونی افراد حفاظت‌شده تحت کنوانسیون چهارم ژنو برخوردارند مردود اعلام کرد. این قطعنامه همچنین «از دولت عراق می‌خواهد که به حقوق اعضای اپوزیسیون ایران طبق قوانین بین‌المللی، احرام بگیرد» (پارلمان اروپا قطعنامه ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۷).

اکنون به یقین می‌توان گفت که در وادی سیاست هر خصومت و ضدبهنی با مجاهدین در عراق بدون استثنا از جانب رژیم است. رژیمی که به جد

قسمت هفتم اشرف

و من می‌گویم، پس از عبور با کازانه مجاهدین از دریای رزم و زنج سلاکه که آزمایش معجزه‌آسای زمان ماست: تا نسوزد بر تپاید-سوی ععدو پخته دانه گان سخن با خام نیست

بله اشرف با مریم و تقلاش پیروز شد. بدون انقلاب ایدئولوژیک، امروز از مجاهدین و اشرف نشانی نبود و خبثی در گور فقیه می‌زد. خوشا آنان که با گذشتن از همه چیز سخنان با کترین شهر جهان و آیت میر جمیل و ظفر اهزازی نگاهشده. خوشا سخنان با کترین شهر جهان و آیت میر جمیل و ظفر حسنوم و خوشا آنان که در این سال با مریم با در کنار و در جوار او پایبندی کردند تا سبیل آزادی و امانت بهاران آیین به سرزمین مقصود برسد.

سخن گفتن از سرداران و سالاران اشرف همچون مژگان پارسی و صدیقه حسینی و دیگر خواهران و برادرانشان و هم‌چنین سخن از شاصصهای دوران پایبندی را به زمانی دیگر وامی‌گذارم. تنها از یک مجاهد صدیق فروخته می‌گویم و درمی‌گذارم. به صد دفتر نشاید گفت شرح حال سنتی ۱۰۰۰ مجاهد سینه‌های نظام طهماسبی، مهندس رجسته تکنولوژی فضای آمریکا بود که از سال ۷۲ هجری جز برای تریه در راه آزادی خلق و مهینش در طبق اخلاص گذاشته و به ارتش آزادی پیوسته بود. نظام پس از تریه طولانی با پیاداری کار بیرونی سرانجام در شب ۳۰ تیر ۸۵ درگذشت. در روزگار پیشین که در آمریکا به کار می‌نمودند بود به لحاظ قانونی، اقامت، شهروند همان جا شده بود. این دو مسئولیت پیوسته با او اصرار می‌کردند برای معالجه به آمریکا بود. اما او هرپار آنها را دست به سر می‌کرد. تا روزی که از اصرارها بی‌فروخته شد و گفت: دیگر از این موضوع با من صحبت نکنید. در این دوران به هر قیمت می‌خواهم در اشرف بمانم و به عهدم وفا کنم...

سلام بر او در روزی که زاده شد در روزی که به مجاهدین و ارتش آزادی پیوست. در روزی که به مرتب صدق رسید و رسنگار شد. صداقت به معنی بی‌گنگی و پاکیزی و عدم تناقض، مرتب و سقنی بالاتر از شهادت است. شهادت راه منتقله در خود دارد.

مَنْ لَمْ يَتَّقِ رِجَالَ مَشَاوَأَ مَا عَمَلُوا اللَّهُ عَلَيْهِ فَيُفْتَمُ مِنْ فَضِي تَحِيَّةٍ وَتَيْمُنٌ مِّنْ نَّيْطَرُ وَمَا بَدَلُوا كَيْدِيَا

چنین بود که مجاهدین و مقاومت ایران در تمامیت خود بر عهدشان برای آزادی و حاکمیت مردم ایران پای فشرده. مغلوب تعادل قوا و دود و دم دشمن ضدبشر نشدند. با سوزن کوه کتندند، همه چیز را از نو ساختند و تعادلی دیگر آفریدند. سوگند می‌خورم که جز نیروی عقیده و ایمان که با انقلاب مریم در یکایک مجاهدان، استوار و ریشه‌دار شده بود، و به‌جز همت هواداران و هموطنان و پشتیبانان مقاومت ایران، هیچ نیرو و جریان، و هیچ قدرت و دولت دیگری، کمک نکرد. به خدا و خلق قهرمان تکیه داشتیم و پس، اما آنها و خونپناها را یاقیم.

بهاران سرسبز مقاومت و نوروزی، این چنین فرامی‌رسد. سعادت ملت ایران، این چنین تقسیم می‌شود. نوروز پیروز آزادی بر همه موع و راهبندگاه غلبه می‌کند. هیچ‌کس نمی‌تواند بهار را از آمدن، باز دارد. تحولات همه‌جانبه‌ساله که گذشت، نویسیخ دستاوردهای بیشتر در سال‌نمین‌کننده است که پیش و درامیم، فرزندان رشید ایران در هر کجا که هستند، باید با هوپناری و مسئولیت‌پذیری و کار و تلاش مضاعف بهای آن را بپردازند. زمان برخاستن است. این خود ما هستیم که آینده را تعیین و ترسیم می‌کنیم. صدای دردم‌شکن زنجیرهای استبداد مذهبی به گوش می‌رسد. ایران آزاد می‌شود.

سلام بر خلق - سلام بر آزادی

مسعود رجوی

فروردین ۱۳۸۷

اشرف در سال ۸۶ با هم میدان فشرده‌ترین رویارویی و صحنه جدبترین نبرد استراتژیکی بین مقاومت ایران و فاشسیم دینی بود. در تمام سال و در تمام ایام، حتی بدون گسست یک روز، رژیم آخوندی جنگ انداخته بود تا مجاهدین را جاکن کند. با از عراب و تهدید و انفجار. با قطع ازراق و سوخت و دارو و آب و برق. با به خدمت گرفتن مجربیه و مقننه و قضاییه عراق و رسانه‌های خودی و نه‌خودگی، از طریق دست‌نشاندهگان دائمی یا موابج‌بگیران موسمی. با گله‌های مزدوران اعزامی. با جنگ مستمر روانی، با کثیفترین ترندها و دروغ‌پرازی. با بمبگذاری بر سر راه کارگران و کشتار یاوران. با رادیوهای فارسی زبان. با دعوت‌های پیوسته از مقامات و شخصیتها و شیوخ و شهروندان عراقی به مشهد و تهران برای برانگیختن آنان علیه مجاهدین. با سر کوبیدن خانوادها و منسوبین به گروه‌گان گرفته‌شان در شهرها و مناطق مختلف میهمان و حتی با شکستن سنگ مرز یکایک مجاهدان در کر بلا...

مجاهدین و مقاومت ایران در تمامیت خود بر عهدشان برای ایران پای فشرده‌ند. مغلوب تعادل قوا و دود و دم دشمن ضدبشر نشدند. با سوزن کوه کتندند، همه چیز را از نو ساختند و تعادلی دیگر آفریدند. سوگند می‌خورم که جز نیروی عقیده و ایمان که با انقلاب مریم در یکایک مجاهدان استوار و ریشه‌دار شده بود، و به‌جز همت هواداران و هموطنان و پشتیبانان مقاومت ایران، هیچ نیرو و جریان، و هیچ قدرت و دولت دیگری، کمک نکرد. به خدا و خلق قهرمان تکیه داشتیم و پس، اما آنها و خونپناها را یاقیم.

بهاران سر سبز مقاومت و نوروزی، این چنین فرامی‌رسد

عراق استقبال کرد. وی افزود نیروی قدس جایبات زیادی در حق مردم ایران انجام داده و دست به کارهایی زده که حتی از بیان آنها عرق شرم بر پیشانی انسان می‌نشیند و همین اعمال را در عراق هم تکرار می‌کنند» (العرب الیوم ۱۱ آبان ۸۶).

به یقین، اکثریت عظیم مردم عراق و عموم نیروهای آزادیخواه و مهن‌پرست عراقی، مجاهدین و مقاومت ایران را متحد و شریک استراتژیکی خود تلقی می‌کنند. رژیم ولایت‌فقیه مشکل و تضاد اصلی و کانون صدور ارتجاع و ترورسیم در این منطقه از جهان است. اما رژیم به این سادگی دست‌بردار نیست زیرا به گفته خودش: «برونده ایران نه

بای میز مذاکره بلکه در خیابانهای بیروت و بغداد حل می‌شود» (کپهان ۷ شهریور ۸۵).

کوها چینی‌ند، اما اشرف نکان نخورد. یکی از رهبران جریانهای سیاسی عراق گفت: اشرف امروز به یک مکتب سیاسی برای آزادی و پایبندی در شرق و نه فقط در ایران تبدیل شده است. یکی از شیوخ برجسته و نامدار عشایر، مجاهدین را «اشرفای زمانه» توصیف کرد.

مجاهدان اشرف گفتند: «بهاد اشرف، کثیر نشانمان کرد، با مریم رهایی، گهر نشانمان کرد.

